

از : غلامعلی همایون
(دکتر در تاریخ هنر)

شناخت هرچه وسیعتر روستای میمند کرمان (اسناد مربوط به روستای میمند)

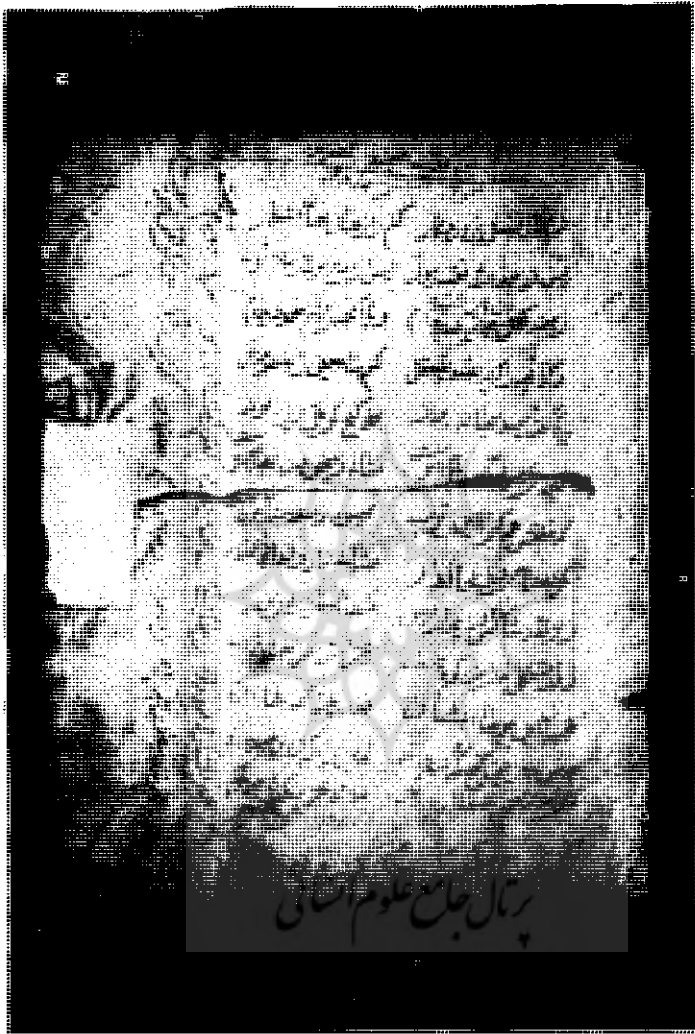
هنگام اقامت در روستای میمند اسنادی بدستم رسید که شاید برای بازسازی تاریخ روستای میمند در چندین صدسال اخیر بی‌فایده نباشد. شش صفحه (صفحه ۱۳۹ تا ۱۴۴) شعرا از کتابی خطی که محتملاً حاوی مطالبی از روستاها و قراء کرمان بوده «سرگذشت میمند» را بیان می‌دارد. این اشعار متوسط ظاهر آرد حدود سال ۱۲۹۰ هجری قمری بوزن شاهنامه فردوسی سروده شده است.

در این شش صفحه $۱۶/۳ \times ۲۰$ سانتیمتری خطی ۱۱۳ بیت شعر بشرح زیر آمده است:

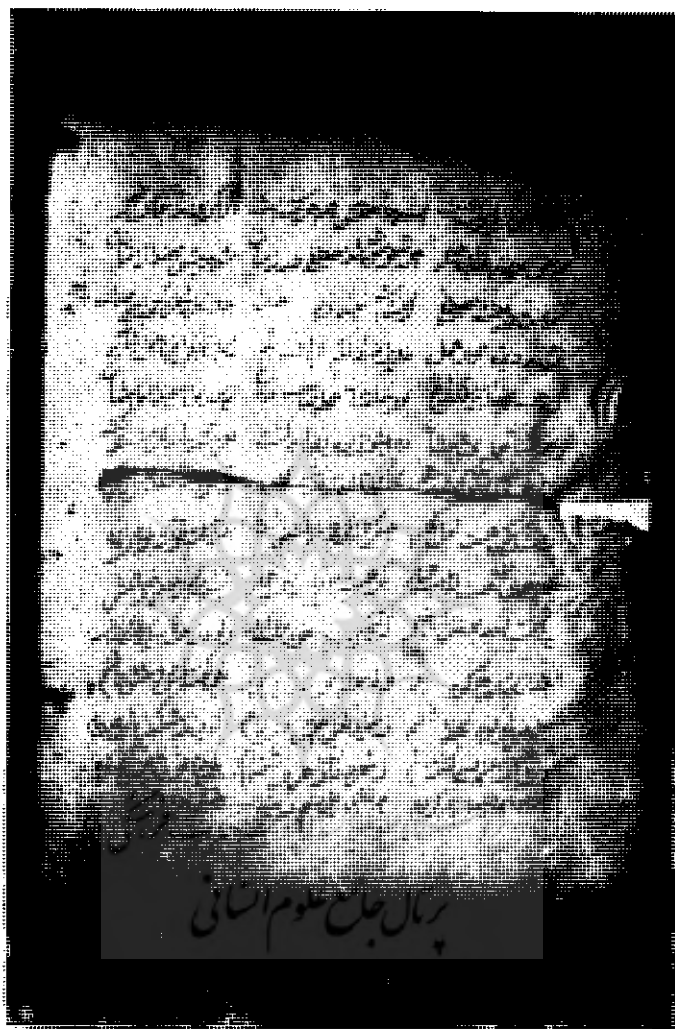
صفحه ۱۳۹-۱۷ بیت، صفحه ۱۴۰-۲۱ بیت، صفحه ۱۴۱-۱۷ بیت، صفحه ۱۴۲-۲۳ بیت، صفحه ۱۴۳-۱۷ بیت و صفحه ۱۴۴-۱۸ بیت (تصاویر ۲۲ تا ۲۷).

سرگذشت میمند «قصاید»

| | |
|------------------------------|--|
| کنم رازهای نهان آشکار | بر آنم که از فضل پروردگار |
| پس از مدح مولای زوج بتول | پس از حمد الله و نعت رسول |
| و یا آنچه بر چشم خود دیده ام | زمیندگفتی چمن دیده‌ام (آن چیز بشنیده‌ام) |
| کنم سامعین را بمنظومه نقل | دگر آنچه را کرد تصدیق عقل |
| بود کنج کوهی ویرانه بود | یکی گفت میمند میخانه بود |
| نشانی ز میخوردن انجام اوست | یکی می که در اول نام اوست |
| نمیبود ز اسلامشان چون نصیب | که خلقتش همه گبر تا این قریب |
| نشانی نه از دلدل ذوالفقار | نکرده امامی در اینجا گذار |

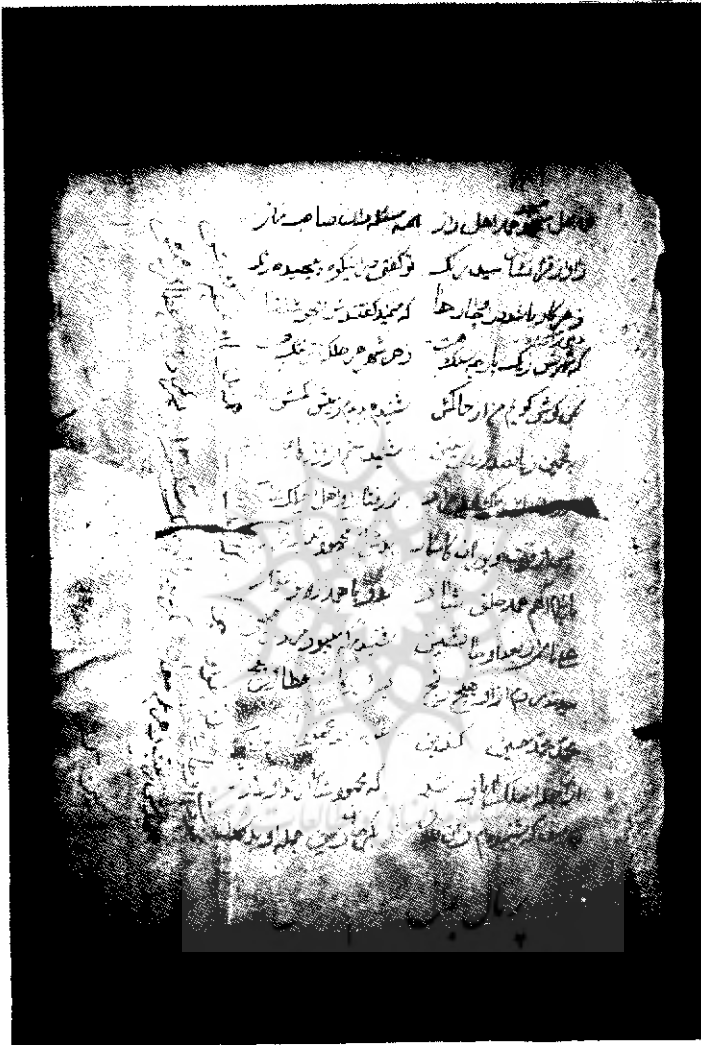


شکل ۲۲
صفحه ۱۳۹ نسخه خطی مورد اشاره در متن مقاله به اندازه ۱۶/۳ در ۲۰ سانتیمتر.



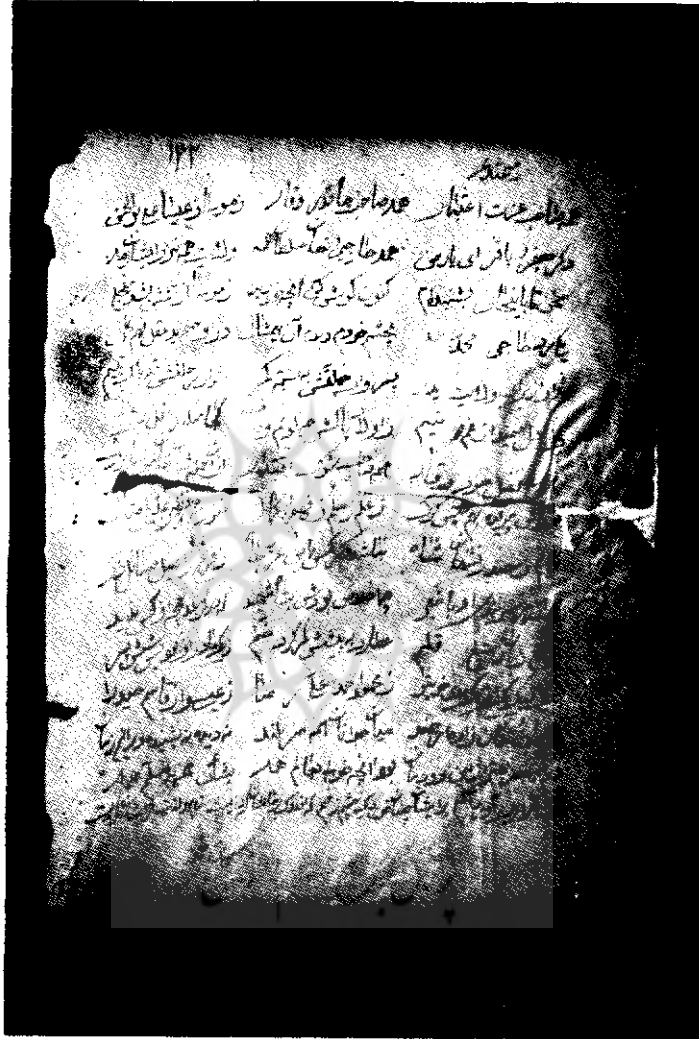
شکل ۲۳

صفحه ۱۴۰ نسخه خطی مورد اشاره در متن مقاله با اندازه ۱۶/۳ در ۲۰ سانتیمتر



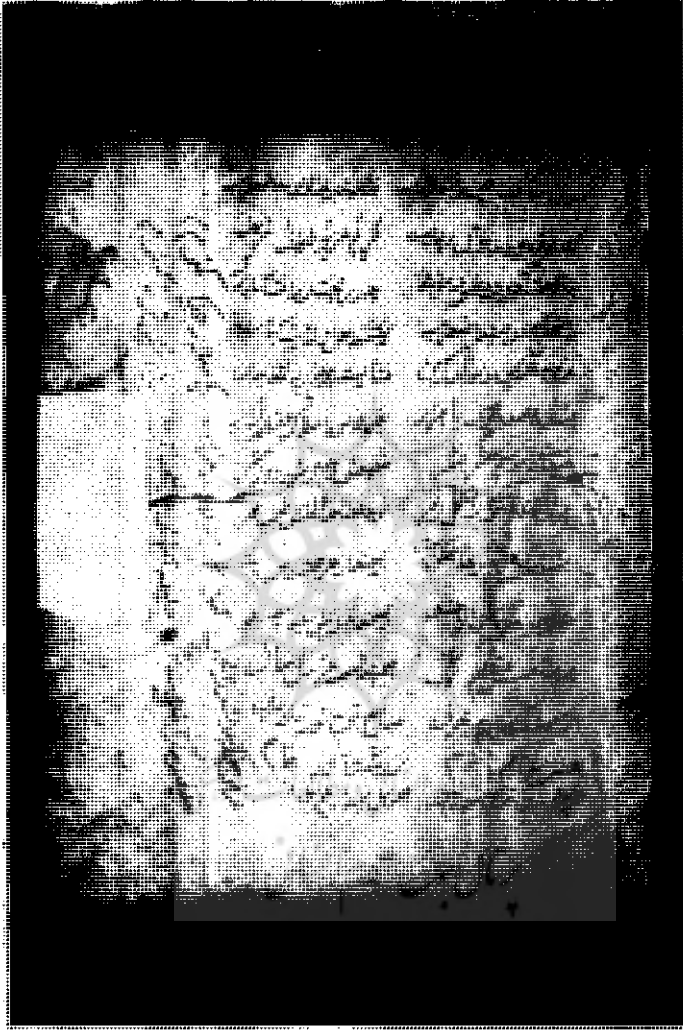
شکل ۲۴

صفحه ۱۴۱ نسخه خطی مورد اشاره در متن مقاله باندازه ۱۶/۳ در ۲۰ سانتیمتر



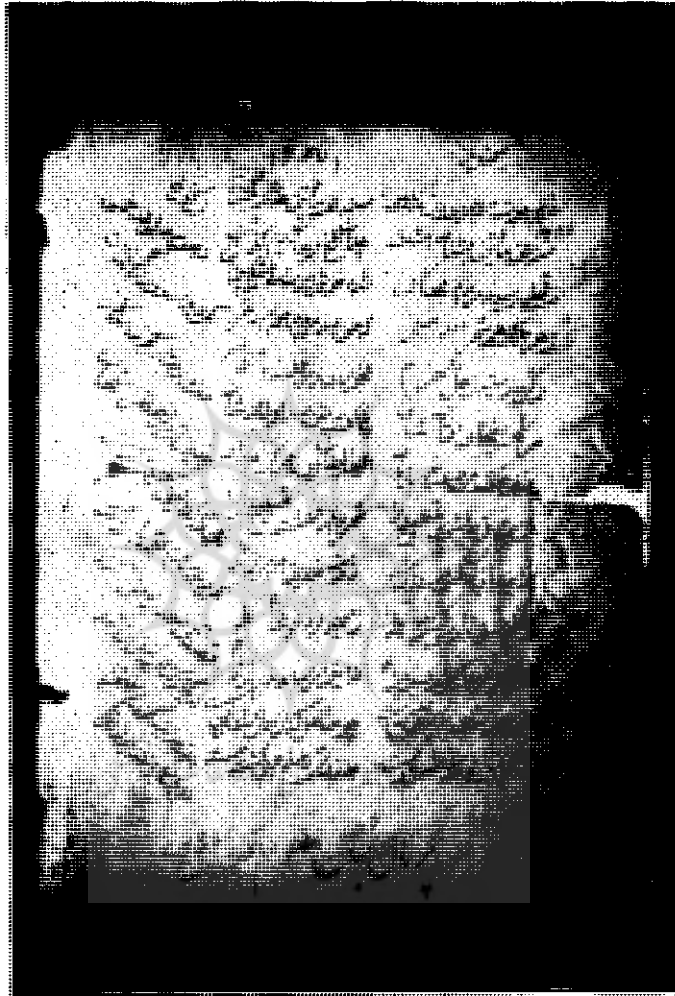
شکل ۲۵

صفحه ۱۴۲ نسخه خطی مورد اشاره در متن مقاله با اندازه ۱۶/۳ در ۲۰ سانتیمتر



شکل ۲۶

صفحه ۱۴۳ نسخه خطی مورد اشاره در متن مقاله با اندازه ۱۶/۳ در ۲۰ سانتیمتر



شکل ۲۷

صفحه ۱۴۴ نسخه خطی مورد اشاره در متن مقاله با اندازه ۱۶/۳ در ۲۰ سانتیمتر

ز اولادشان کس در اینجا دفین
 زیارت گهی اندر این کوه نیست
 بقربان این جویمها آبشان
 چه خوبی از این کنج کو دیده اند
 نه آب و نه خاک نه جای شجر
 چه بر پشت کوهی نمودند کوه
 از اینها بسی گفت آن مرد ذم
 بگفتم زگفتمت شدم من ملول
 سزاوار نبود کنم هیمنت
 که میمند میمونه با برکت است
 اگر گبر بودند بنمای صبر
 چو مبعوث شد مصطفی در زمان
 سند هست در بعثت مصطفی
 بدون زد و حرب و جنگ جدل
 نه ویرانه بد بلکه آباد بد
 که نه آب نه خاک نه ملک باغ
 از این یمن میمند افواجشان
 ره پیشوازاده اینجا چه کشت
 ولی هر کجاشان دگر شد رهی
 (در اثر پارگی خوانده نشد)
 چه کوهی نه کوهی به پشتش شده
 نه بیفهمشان هست لایع همه
 شنیدم که در عهد خیرالبشر
 که تسخیر در دین خود ملک کرد
 بدان از برای علی کوه یس
 نبی گفت بس دوستش داشتیم
 زمیمند گفتمی چو من دیده ام
 ولایات را من بسی گشته ام
 ندیدم بخوبی این کنج کوه
 چه ما قبل این مردم دیندار
 همه اهل مسجد همه اهل راز
 ز آواز قرآنشان بیدرنک

نشد تا مبارک بود این زمین
 بجز غصه حزن اندوه نیست
 فدای کمالات آدابشان
 که این دست گه را براوچیده اند
 نباشد بجز سنگ ، کوه ، کمر
 بخوندند (بخوانند) بیقلشان هر گروه
 برای جوابش زدم من رقم
 ندارم چو من گفتهات را قبول
 اول می که گفتمی بود میمنت
 پسندیده خلقش همه حرکت است
 همه خلق بودند بنمای صبر
 شده پیش میمند از امتان
 گرفته است میمند راه خدا
 نمودند دین محمد عمل
 ز دین نبی این جبل شاد بد
 بود خلقشان جمله صاحب دماغ
 همه همگان جمله محتاجشان
 بعزت بیامد بحرمت گذشت
 بکشند تا شد زیارت گهی
 ز سنگ کمر هست لعل گهر
 بدان پشت قوت بکوهی زده
 بکو هست چون دیر راهب همه
 یکی گفت آمد بحضرت خیر
 ز کوه زجله به یک لیک کرد
 ولی جلگه خوب را برد خود
 سراسر ساو کوه بگذاشتم
 که این دستگه را باو چیده ام
 ز شهر دهات ز هر دشته ام
 چو دیدم چه بشنیدم از هر گروه
 نمیبود با عز پرهیز کار
 همه مسئله دان صاحب نماز
 تو گفتمی در این کوه پیچیده زنگ

ز هرکار باشد در او چارها
 که شهرش (دهی‌راکه) زیك پارچه‌سنگ‌هست
 بکن گوش گویم من از حاکمش
 به تخمین ز پانصد ز روی سنین
 این ملک بوده مراد
 پس از فوت او پور آن کامکار
 بایام آنهم همه خلق شاد
 علی نامی از بعد او جانشین
 ندیدند مردم از او هیچ رنج
 محمد محمد حسین (گدین)
 از آن جمله این ملک آباد شد
 ز وصفی که بشنیده‌ام ز آن فلان
 نمودست او چهارده طن طواف
 چو حاجی که از صلب او يك دله
 همه خلق با او نموده کشش
 همه صاحب عزت اعتبار
 ز موسا ز عیسا * علی بوالحسن
 همه حاجبی خان سلطان همه
 سخن تا باینجای بشنیده‌ام
 ز موسا ز عیسا * علی بوالحسن
 بچشم خودم دیدم آن بيمثال
 بد او از برای ولایت پدر
 شد از رحلتش شهر با يك یتیم
 ز اولاد پاکش چه گویم و صاف
 همه منبع فضل جود وقار
 از آن جمله‌شان خان موسا بزرگ
 ز علم و ز حلم و ز فهم و کمال
 گمانم ز مصدر نشینان شاه
 ز فرع و ز اصل مسائل دگر

که میمند گفتندش ای خوش لقا
 زهر شمر هر جلگه‌اش تنگ‌هست
 شنیدم بدیدم ز پیش کمش
 شنیدم استم از فرقه کاهنین
 ز رفتار او اهل این ملک شاد
 بدش نام محمود شد برقرار
 بدو با همه از دوسو اعتماد
 شنیدم که میبود مردی مهین
 پسر کردگارش عطا کرد پنج
 عوض بود محمود با نور دین
 که محمود شان ارشد اولاد شد
 بکرمان زمین جمله او بد کلان
 بعهدش رعیت ز هر غم معاف
 بگردید پاکیزه يك سلسله
 پسر کردگارش عطا کرد شش
 همه صاحب جاه قدر وقار
 دگر جعفر و باقر ای یار من
 ولایت همه نیز ز ایشان رمه
 کنون گوش کن آنچه خود دیده‌ام
 یکی مرد حاجی محمد علی
 در او ختم بد عقل فهم کمال
 پسر وار خلقش به بسته کمر
 دل اهل میمند از غم دو نیم
 کجا میکند عقل داعی کفاف
 همه صاحب شوکت اقتدار
 بعهدش چرنده بهم میس گرگ
 نبودش نظیر و عدیل مثال
 نباشد دگر کس باین عز و جاه
 بد از هر سر بندی او باخبر

* نامهای موسی و عیسی مانند دیگر کلمه‌هایی که در چند صفحه کتاب نوشته شده است و همچنین در مواردی که حروف ربط وجود ندارد عیناً طبق نوشته کتاب نقل گشته تغییر و تصرف در متن آن بعمل نیامده است .

چه اخلاص بودش بشاه شهید
 ز تیغ زبان ز تیغ قلم
 ز يك مادر او بود بس شش پسر
 ز محمود احمد علی رضا
 همه خان و خانزاده ارجمنند
 نه دیده نه بشنیده در این زمان
 بود آنچه خوبی بعالم همه
 فلکشان بر ابرو بر آورد اخم
 که افلاک بر حالشان کرد زیست
 سه تن خاندان عین وقت شباب
 که در فوق بودند اول ردیف
 بناگاهشان درک بنمود مرگ
 نه تنها پدر را بشد اضطراب
 غرض خان از این داغهای گران
 بسال دو صد با نود با هزار
 امیدست تا موسم حشر نشر
 به بازماندگانش در آن کل زمر
 شنیدی که هر چارها ممکن است
 علاوه ز حکام ای ارجمنند
 همه صاحب عقل و فهم و کمال
 اگر اسمشان را در آرم بحرف
 بعصر من ناظم نا تمام
 بعهدش بدون خوش آمد و لاف
 غرض چونکه ملا بشد ز انجمن
 کنون کار میمند شد خراب
 یکی منکه از جملگی کمترم
 غرض فوت ملا بود درون شک
 سنه الفماتین هشتاد و هشت (۱۲۸۸)
 ز قحطی رسیدند مردم بجان
 ز هر ملک هر شهر آمد خبر
 ز گربه ز مینه ز حل و حرام
 سرکار اینجای افتادشان

که در کربلا همچو او کس ندید
 عطارد به پیشش کمر کرد خم
 يك از يك يك از يك بدی خوبتر
 ز عیسی و از قاسم حیدرا
 میان جوانان همه سر بلند
 در این عصر بهتر از این دودمان
 بشان همه بد مسلم همه
 برایشان چنان خورد يك چشم زخم
 تمام ولایت برایشان گریست
 فتادند بر خاك بی اضطراب
 کریم و عزیز و لطیف و شریف
 پدر ریخت از داغشان ساز برگ
 که گشتند اهل ولایت کباب
 نشایست بیرون برد نقد جان
 بفردوس اعلا گرفته قرار
 شفیعش پیمبر شود روز حشر
 نماید عطا خالقش طول عمر
 به میمند از هر جهت ایمن است
 به میمند بد ریش سفیدان چند
 همه صاحب عز مال منال
 بسامع بترسم شود تنگ ظرف
 بزرگی علی محمد بنام
 همه اهل میمند از غم معاف
 خلیفه زجا راست شد بیست تن
 خلیفه همه گشته عالیجناب
 از این آتش تیز خاکسترم
 سنه الف مأتین هفتاد يك (۱۲۷۱)
 چنان تلخ بر جان مردم گذشت
 شده خوش ك سالی تنگی چنان
 که خوردند مردم همه اسب خر
 بخوردند مر جمله را با التمام
 یکی گفت خوردند اولادشان

الها چنان روز هرگز مباد
 شمردیم ما هشت تسبیح را
 ز دست خلائق همه مزد شد
 ز میمند بردند پنجاه کله
 نه این را رساندند بر پادشاه
 چو حاصل که از حال ما غافل است
 بدزدی بیمذهبی گشت مست
 بگردید مسدود راه نجات
 چنین کرد این خلق را امتحان
 نکردند مردم بحق بازگشت
 نه یاد از کتاب نه قرآن کنند
 از ایشان برانداز این دلق را

غرض خلق مردند نیمی زیاد
 از این قریه بشنو تو تفصیح را
 از این باقیان اکثری دزد شد
 ز نظم نسق فارس گشته یله
 ز هر شهر هر ملک شد بسته راه
 شه ناصرالدین اگر عاقل است
 که کردم ز راه خدا شسته دست
 نه صوم و صلوة نه خمس و زکوة
 خداوند جبار کون و مکان
 فحمداله ، این مصیبت گذشت
 تصدق نه در راه حق نان کنند
 الها هدایت کن این خلق را

ذیلا چهارده سند از میمند نیز رونویسی میگردد . مطالعه این اسناد
 برای اوضاع احوالات اجتماعی و زندگی روزمره مردم میمند در گذشته
 حائز اهمیت فراوانی است ، برای مثال عقدنامه شماره (۱) حاکی از آنست
 که قالی را در میمند در حدود یک قرن پیش از روی وزن خرید و فروش میکردند
 در صورتیکه امروزه در میمند قالیچهها از روی اندازه آنها معامله میگردد .
 این اسناد شامل سه عقدنامه ، ده قبالة مالکیت و یک نامه میباشد . ۱۵

عقدنامه ها :

عقد نامه شماره ۱ باندازه متوسط ۲۲/۲ × ۱۶/۵ سانتیمتر بشرح زیر :

هوالمؤلف بیش القلوب والابصار

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي حل النكاح وحرم الزنا والسفاح محمد صلى الله عليه والله

خير انور وبعده الناكح

۱۵ - در خواندن این اسناد از همکاران محترم دانشگاهی خود آقای دکتر زریاب خوئی،
 آقای دکتر قاضی ، آقای دکتر سیدین و آقای دکتر آزمایش بهره جسته ام و بدین وسیله
 از یاری بیدریغ آنان سپاسگزارم .

حضرت پسندیده فطرت حسین ولد مرحمت نیا محمد

والمنکوحه

عفت وعصمت مآب عاقله بالغه باکره رشیده مخدره مکرمه

فاطمه ابن (بنت) حضرت پسندیده فطرت ملاحسن

الصداق

مبلغ دوازده تومان و پنجهزار دینار نقد تبریزی وجه رایج الحال
قصبه شهر بابک و موازی یک حبه از جمله نود و شش حبه سرداب مزارعات
میمنند معه میاه و اراضی و استجارات مختلفه و موازی دو حبه از جمله نود
و شش حبه باغ مراد و کندرمع میاه و اراضی و استجارات و غیره آنچه شرعاً
و عرفاً بدان معلق است و موازی ده رأس گوسفند بز و میش با المناصفه و مقدار
پنج من مس ساخته پرداخته بوزن تبریز و مقدار دو من نیم فرش بوزن تبریز
از مال زوج مذکور است .

الوکیل من جانبین عالیجناب مقدس الالقاب علامی فهامی مؤید آخوند
ملاحسین ملا محمد جعفر

التاریخ

فی نوزدهم شهر ذوالحجه الحرام ۱۲۵۹

الشهود فی مجلس الاذن

مرحمت نیا کربلائی معصوم

مرحمت نیا مزمل مسیحی

مرحمت نیا حاجی محمد

مرحمت نیا عبدل

مرحمت نیا عبداله

غلامعلی

اثر مهر

اثر مهر

قدجری صیغه الايجاب والقبول على قانون شرح الرسول

اثر مهر

در کنار سند، تصریحاً آنکه وجه نقد صدق

ریال محمد شاهی ۲۸ نخودی عدوی هزار دینار است

پشت سند : مسماء منکوحه ضمنی مصالحه نمود صدق مرقومه ضمنی را جمعاً بولد اعیانی خود وهو محمدابن ناکح ضمن بمبلغ یکصد دینار نقد و یک من سنجد بوزن تبریز مأخوذ وصیغه مصالحه بقانون شرع شریف جاری گردید و من بعدالایوم مصالح علیه مرقوم حق مصالح له مذکور است و این چند کلمه بر سبیل مصالح نامه قلمی گردید و کان ذالک فی شهرج ۱-۱۳۰۴ اثر مهر

عقدنامه شماره ۲ باندازه ۱۱/۲ × ۱۷/۸ سانتیمتر (تصویر ۲۸)

بشرح زیر:

بسم الله الرحمن الرحيم هو المؤلف

هو الذي خلق من الماء بشراً فجعله نسباً

وصهراً «وكان ربك قديراً» وصلى

الله على محمد وآله الذين طهر تطهيراً

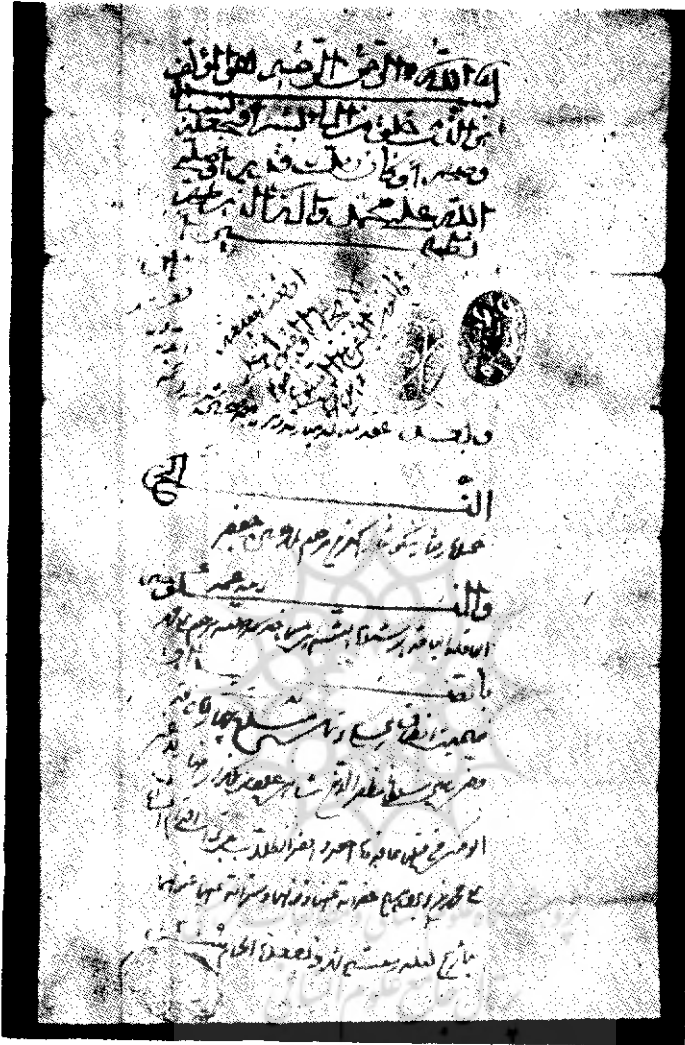
وبعد عقد مناکحه مبارکه و نیز بروجه صحیحه شرعیه دائمه ابدیه

واقع شد ما بین الناکح

حمیده رفتار نیکو شعار اکبر بن مرحوم ملاحسین جعفر

و المنکوحه ابنه عمه

العاقله البالغه الرشیده الثیبه هی المسماء به خدیجه صبیه مرحوم محمد علی بالصدق میمنت انطباق همگی و تمامی مبلغ چهار تومان نقد فی امین سلطانی مظفر الدین شاهی عدوی یک هزار دینار لاغیر الوکیل من قبلها عاقدها احقر و افقر الطلاب بل تراب اقدام ایشان علی محمد بن ابراهیم غفر الله عنهما ذنوبهما و ستر الله عنهما عیو بهما بتاریخ لیله هفتم شهر ذی قعدة الحرام سنه ۱۳۱۹



شکل ۲۸

عقدنامه شماره ۲ باندازه ۱۱/۲ در ۱۷/۸ سانتیمتر

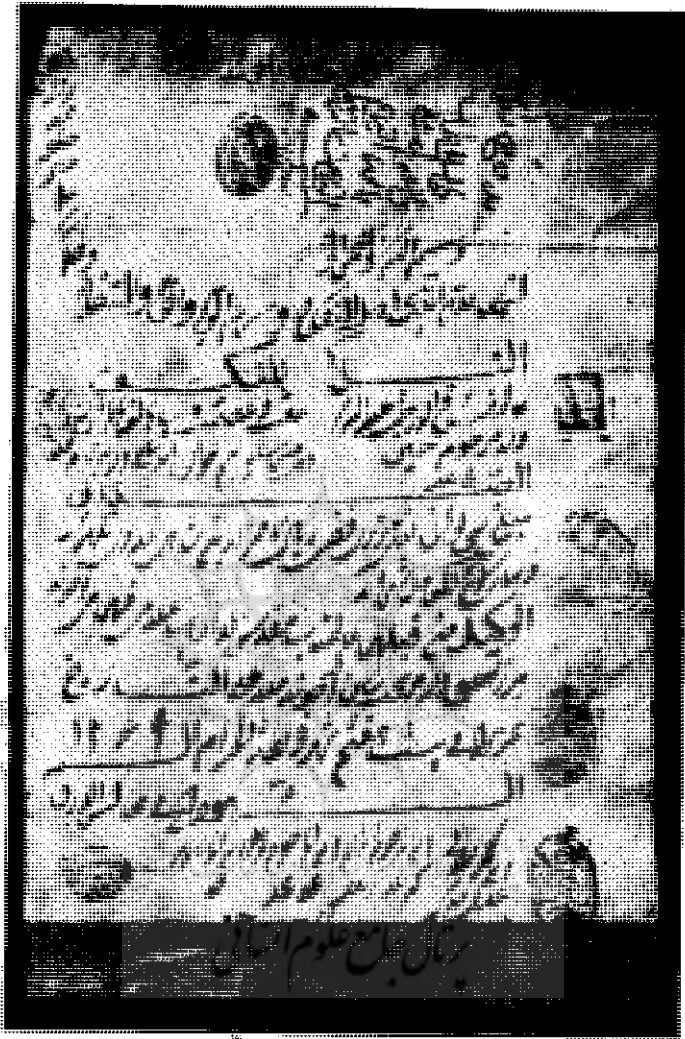
بالای سند

اوقعتنا صیغه الایجاب والقبول

علی قانون الشرع الرسول ص ۴

فی التاریخ حرره اثر دومهر

(۴۰)



شکل ۲۹ - عقدنامه شماره ۳

عقدنامه شماره ۳ با اندازه متوسط $11/2 \times 10/4$ سانتیمتر (تصویر ۲۹)

بشرح زیر :

هوالمؤلف بین القلوب والابصار

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي اهل (!) النكاح وحرم الربا والزنا والسفاح و صلى الله على
خير خلقه محمد وآله اجمعين

الناكح المنكوحه

عالی حضرت فی الدرجت عبدالله عفت وعصمت ماب بالغه با کرة رشیده
ولد مرحوم حسین وهی مسماة بمريم خواتون ابنة علی ولد مرحوم
ملا ابراهیم الصادق

مبلغ سی تومان نقد تبریزی فضی ریال ناصرالدین شاهمی عددی یکم هزار
دینار رایج المعامله شهر بابک (بربالای حرف ص در کلمه صدق مبلغ ٣٠
تومان و در پائین کلمه سی رقم ١٥ به نشانه نصف آن باحروف سیاقی نیز مرقوم
رفته است) **کتابخانه مدرسه فیضیه قم**

الوکیل من قبلهما عالیجناب مقدس الالقباب علامی فهامی آخوند

میرزا حسین ولد مرحمت شان آخوند ملا علی التاریخ

تحریراً فی بیست هفتم شهر ذوالحجه الحرام السنه ١٢٦٩

الشهودان فی مجالس (یک کلمه خوانده نشد)

ابن کربلائی ابن المرحوم ابراهیم ابن المرحوم کریم

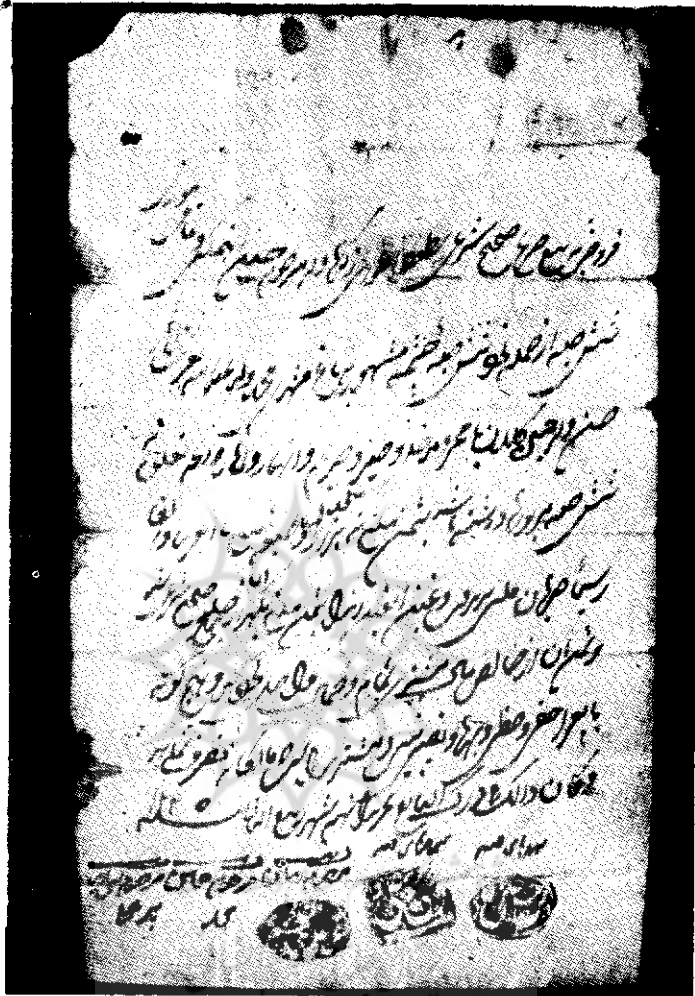
عبدالله کربلائی زینل علی محمد

(یک کلمه خوانده نشد) ابن مرحوم

پیر علی

ابن المرحوم حسین....

غلام حسین



کتابخانه مدرسه ایتام

شکل ۳۰ - قبالة مالکیت شماره ۱

قبالة مالکیت شماره ۱ باندازه ۱۰/۳ × ط ۱۶۹ سانتیمتر (تصویر ۳۰)

بشرح زیر :

فروخت به بیع صریح صحیح شرعی سطوده (ستوده) اطوار کریا ولد
 مرحوم حسین از همگی و تمامی موازی شش حبه از جمله ۹۶ حبه چشمه
 مشهور به باغ مشهدی محمد ولد عبدالله بعزت شمار

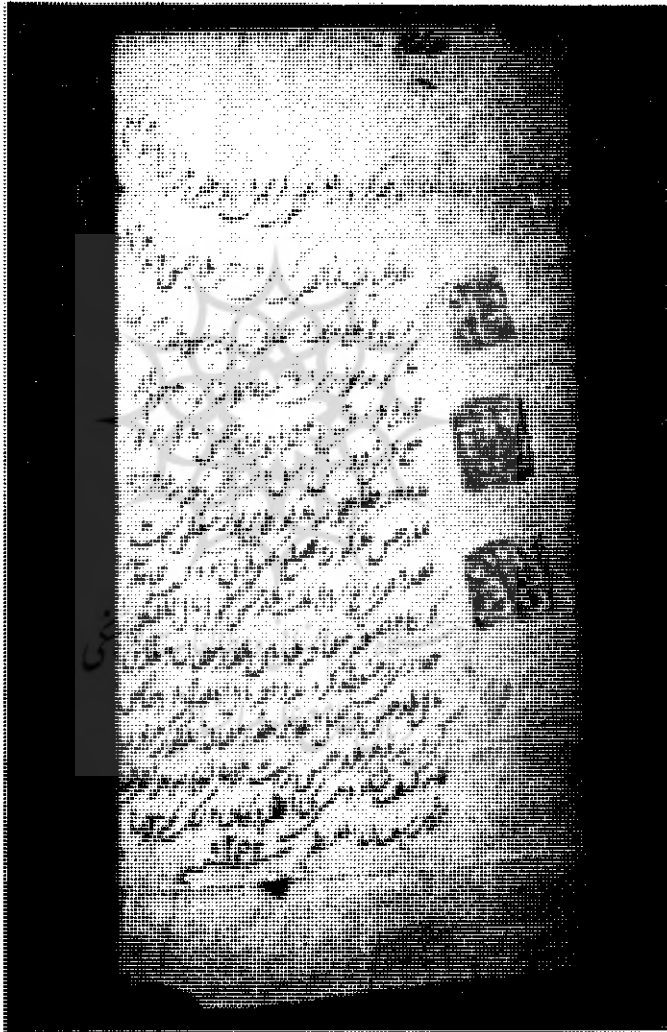
حسن ولد حسین کلان باممر و مدخل (يك كلمه خوانده نشد) و حریم و انهار و آثار و آنچه تعلق بهش حبه مزبور داشته باشد بثمان نه هزار (نه هزار به سیاق) و صیغه بیع بالعربیه و الفارسیه جریان جاری پذیرفت و بثمان الغین آنرا بثمان مبلغ یک هزار (هزار به سیاق) صلح صحیح شرعی شد و ثمن آن از خالص مال مشتری تمام و کمال و اصل گردید و هیچگونه بائع راحقی و خطی و بهره و نصیبی نیست و مشتری است که مالکانه تصرف نماید و كان ذالك في درك البایع تحریراً نهم شهر ربیع الثانی سنه ۱۲۲۰

| | | | | |
|--------------|--------------|------------|--------------|-----------|
| (خوانده نشد) | (خوانده نشد) | جای امضاء | جای امضاء | جای امضاء |
| اثر مهر | اثر مهر | مرحوم امین | مرحوم حسین | مرحوم |
| | | محمد | (خوانده نشد) | پیر علی |

ظاهراً امضاء کنندگان نام پدر خویش را برای احترام بالای نام خود آورده اند.

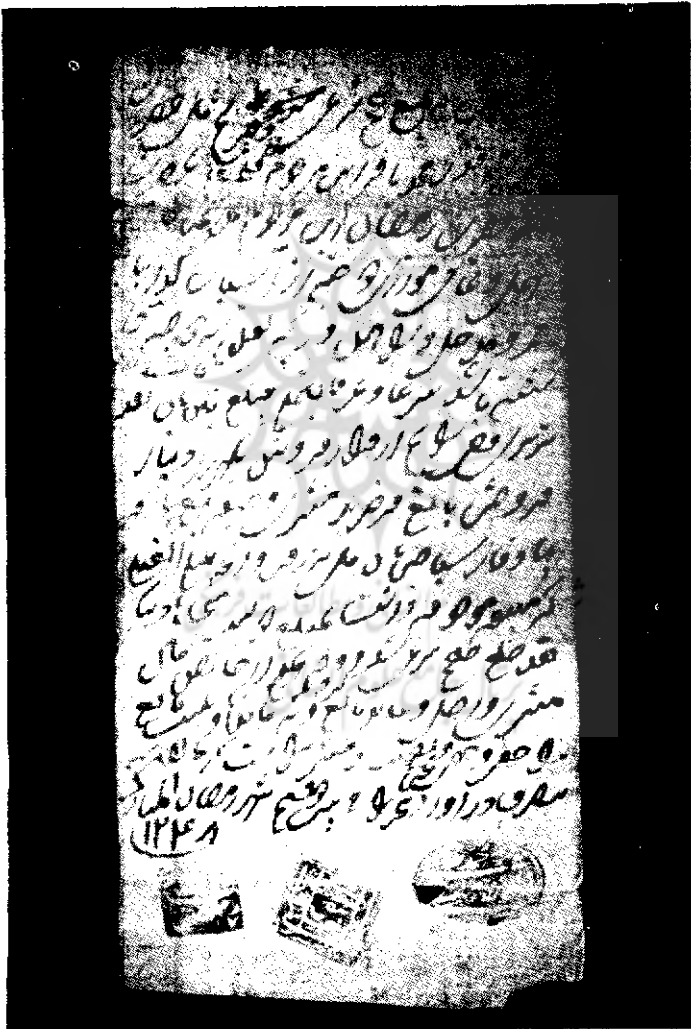
قباله مالکیت شماره ۲ باندازه متوسط $۱۴/۶ \times ۷/۲$ سانتیمتر (تصویر ۳۱) بشرح زیر: حاضر گردید عالی حضرت گرامی درجت ملا رمضان ولد مرحوم ملا غیاث بعالی حضرت گرامی درجت ملا حسن ولد مرحوم کربلائی علی بیک و مصالحه صحیحیه شرعیه نمود ملا رمضان مذکور موازی دوحبه طاحونه که از مرحوم ملا محمد باقر ایتیاغ نموده بود به ملاحسن مذکور مزبور مع عرش و فرش و میل و تبر و حجر آنچه شرعاً و عرفاً به دوحبه طاحونه مذکور مزبور متعلق است. به ملا حسن مذکور بمبلغ یکتومان و دوست و پنجاه دینار نقد فضی رایج شهر بابک و ملاحسن قبول مال المصالحه را کرده و صیغه مصالحه فیما بین ملا رمضان و ملا حسن جاری و منعقد گردید و وجه مال المصالحه از خالص مال ملا حسن و اصل و عاید ملا رمضان

مذکور مزبور گردید و ممر ملاحسن راست که مالکانه ید تصرف نماید کیف
 شاء و مشی کمالیه و کان ذلك تحریراً فی شهر شعبان المعظم سنه ۱۲۵۲ .
 در سمت راست قباله اثر سه مهر



شکل ۳۱- قباله مالکیت شماره ۲

قباله مالکیت شماره ۳ باندازه متوسط $۱۴/۶ \times ۷/۲$ سانتیمتر پشت قباله شماره ۲ (تصویر ۳۲) بشرح زیر : فروخت به بیع صحیح شرعی و صریح عالی حضرت گرامی فوز محمد باقر ابن مرحوم ملافتحعلی بحضرت نیکو فطرت رمضان ابن مرحوم ملاغیاث عمگی و تمامی مرآزی در حبه از آسبای



شکل ۳۲ - پشت قباله مالکیت شماره ۲

کذا بامرو و مدخل و راهن و آنچه تعلق به دو حبه داشته باشد، شرعاً و عرفاً بثمان مبلغ يك تومان نقد تبریزی و چه رایج از قرار فروش یکمزار دینار فروخت بایع و خرید مشتری و صیغه بیع بالعربیه و الفارسیه جریان جاری پذیرفت و آنچه غبن الغبن که مبیعه موصوفه داشت بمبلغ دو بیست و پنجاه دینار نقد صلح صحیح شرعی شد و وجه مبیع از خالص مال مشتری و اصل و عاید بایع گردید و نه مانده و نیست بایع را حقی و حق غبن و نصیب و مشتری راست که مالکانه بتصرف در آورد، تحریراً فی بیست و دویم شهر رمضان المبارک ۱۲۴۸

اثر سه مهر

قباله مالکیت شماره ۴ باندازه متوسط $7 \times 10/5$ سانتیمتر که ظاهراً بر روی سند دیگری که باطل شده چسبانده شده است (تصویر ۳۳) بشرح زیر:

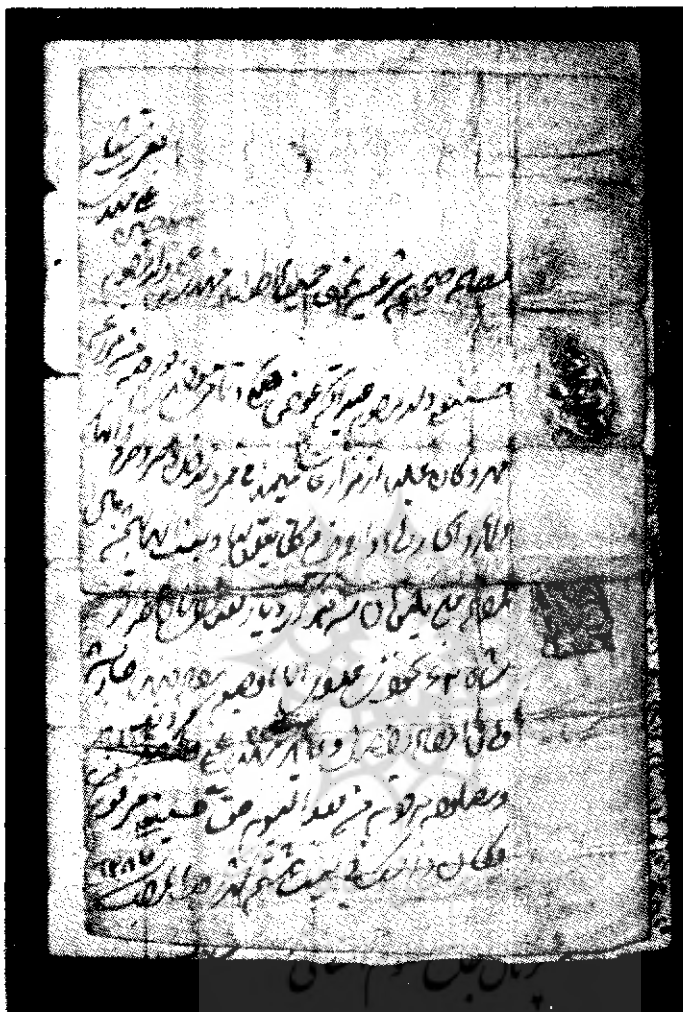
مصالحه صحیحه شرعیه نمود حمیده الاطوار مشهدی علی ولد مرحوم حسین علی بعزت شعار مشهدی حسینعلی ولد مرحوم عبدالله عوض همگی و تمامی موازی دو حبه من مزرعه

مهر و گان علیا از مزارعات میمند من ممر و مدخل (يك کلمه خوانده نشد) و حرم و انهار و آثار و اشجار قراء و اراضی و کل بتعلق بها و ينسب اليها بثمان مال المصالحه مبلغ يك تومان سه هزار دینار نقد فضی زمان ناصرالدین شاه ۶۲ نخودی عددی (رقم هزار دینار را به سیاق پس از کلمه عدد نوشته است) و صیغه مصالحه فیما بین جاری شد و مال المصالحه و اصل و عاید مشهدی علی گردید.

و مصلوحه مرقومه من بعد الیوم حق حسینعلی مرقوم شد

و كان ذلك فی بیست و هشتم شهر رجب المرجب ۱۲۸۷

این سند را بر روی سند دیگری که باطل شده است چسبانده اند.

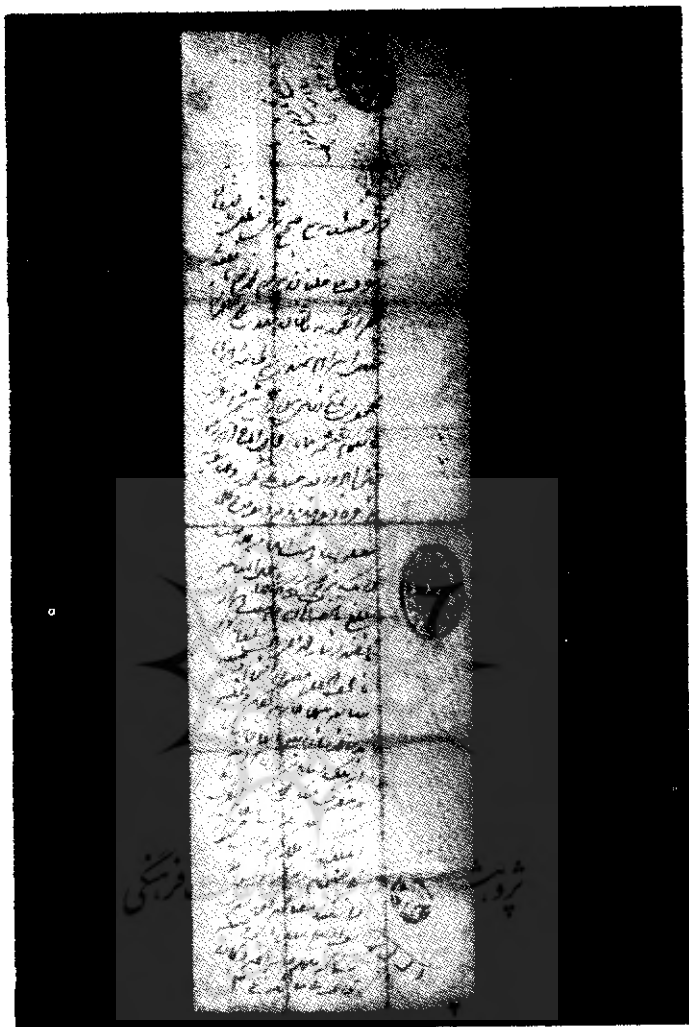


شکل ۳۳ - قباله مالکیت شماره ۴

قبالة مالکیت شماره ۵ باندازه $6/8 \times 22/8$ سانتیمتر (تصویر ۳۴)

به شرح زیر :

فروختند به بیع صحیح شرعی قطعی عالیشانان
 (میرزاه) و علی خلفان مرحوم محمدعلی باقلعه‌ئی



شکل ۳۴- قبالة مالکیت شماره ۵

ساکن اشکور به عالیشان مشهدی محمد خلف مرحوم
 مشهدی ابراهیم میمنندی من طایفه ابراهیم
 محمودی همگی و تمامی موازی شش بهر اراضی
 بانضمام شش حبه میاه و مجاری المیاه از مزرعه

حسین آباد واقع جنب اشکور و صاحبان
این بهر (سه کلمه خوانده نشد) و اراضی و کل مایتهای آنها وینسب الیهما
من جمله هفت

دانگ مزرعه مزبوره حسین المبیعه
بمبلغ پانزده تومان و هفت هزار (مبلغ بسیاق نیز نوشته شده است)
پانصد دینار نقد فضا امین سلطانی رایج
مأخوذ الکل مقبوض التمام و صیغه
مبیعه بینهما جاری گردید و تخلیه
یدعالیشانان یعنی بایعان مزبوران
از ملک و میاه مزبوره گردید
و بتصرف مشهدی محمد مزبور دادند
کتصرف لکل تصرف مالکانه کنصرف
الملاك فی املاکهم و ذوالحقوق
فی حقوقهم و هر گونه غبنی که داشتند مصالحه کردند (یک کلمه
خوانده نشد)

بعد الصلح معین مأخوذه و صیغه

مصالحه بینهم جاری گردید و کان

ذالك فی شهر ۲۴ (ربیع الثانی) ۱۲۲۶

وقع ما وقع (یک کلمه خوانده نشده)

فی تاریخ ۱۲۲۶

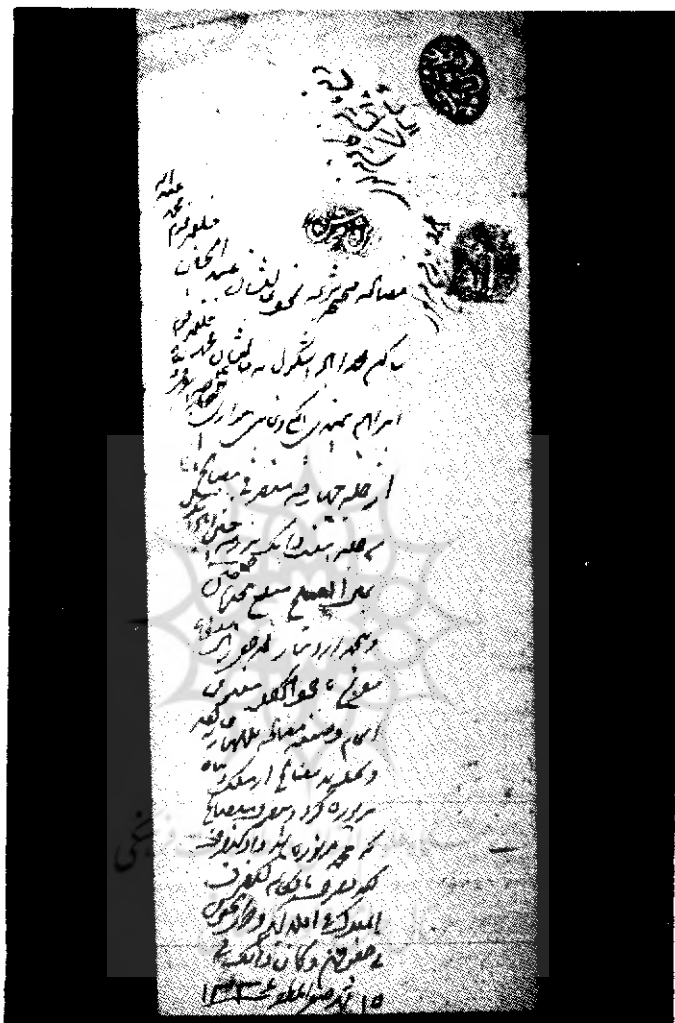
اثر چهارمهر در بالا و سمت راست سند ملاحظه میگرد

قباله مالکیت شماره ۶ باندازه ۸ × ۲۱ سانتیمتر (تصویر ۳۵) بشرح زیر:

مصالحه صحیحه شرعیه نمود عالیشان عبدالحسین خلف مرحوم محمد

عبداله ساکن محمد آباد اشکور به عالیشان محمد خلف مرحوم

ابراهیم میمندی همگی و تمامی موازی چهار حبه اراضی و میاه



شکل ۳- قبالة مالکیت شماره ۶

از جمله چهار حبه متصرفی مصالح مالکی
 من جمله هفت دانگ مزرعه حسین آباد اشکول
 بمال الصلح مبلغ پنج تومان
 و پنجهزار دینار نقد فاضی امین سلطانی

رایج (دو کلمه خوانده نشده) منصوص
انجام وصیغه مصالحه بینهما جاری گردید
وتخلیه ید مصالح از ملک ومیاه
مزبوره کرد ومتصرف متصالح
که محمد مزبوره باشد داد که تصرف
کند تصرف مالکانه کتصرف
الملاک فی املاکهم وذوی الحقوق
فی حقوقهم وکان ذالک فی
۱۵ شهر صفر المظفر ۱۲۲۶

بالای سند

وقع ما رقم کمارقم فیہ لدی اعترف بما رقم فیہ لدی
فی التاریخ ۱۲۲۶ اثر مهر
اثر مهر

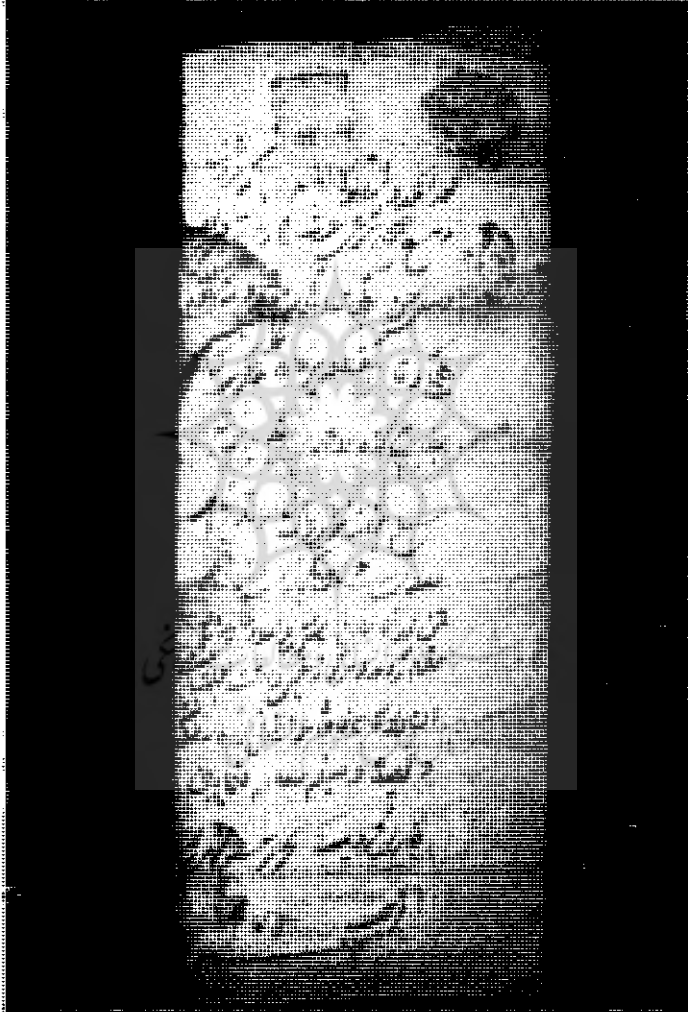
قباله مالکیت شماره ۷ با اندازه $۱۹ \times ۷/۷$ سانتیمتر (تصویر ۳۶) بشرح زیر:
بعده الحمد والصلوه (یک کلمه خوانده نشد) که فروخت
به بیع صحیح شرعی عزت شعار ملک ولد
رسل (رسول) حسن بعزت شعار موسی ولد مرحوم مشهدی موسی
همگی وتمامی یک قطعه پرگاه کندری که در
جنب پرگاه ملاحمد میباشد به ثمن معین
مبلغ هفت هزار ریال ناصرالدین شاهی
عددی نیست ویکهزار دینار وجه
ثمن ازخالص مال مشتری واصل وعاید بایع
مرقوم گردید وهر گونه غبنی داشت بعلت غبن
ان ولوکان فاحشاء بل الافحش شده را دانسته
(۵۲)

وفهمیده وصیغه مصالحه فیما بین

جاری گردید فی تحریر بیستم شهر رجب

المرجب سنه ۱۲۷۴

بالا و کنار سند اثر سه مهر

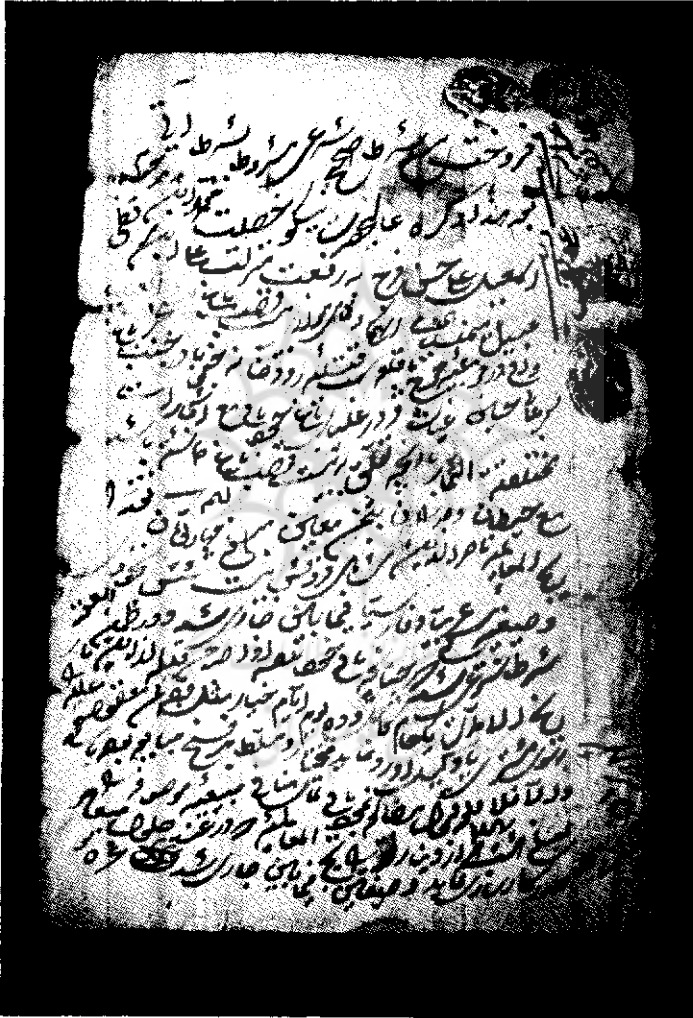


شکل ۳۶- قبالة مالکیت شماره ۷

قباله مالکیت شماره ۸ با اندازه متوسط ۱۱/۳ × ۱۶/۶ سانتیمتر (تصویر ۳۷)

بشرح زیر :

فروخت به بیع شرط صحیح شرعی مشروط بشرط آتی
بعد هذا ذکره عالی حضرت نیکو حصلت محمدابن مرحوم

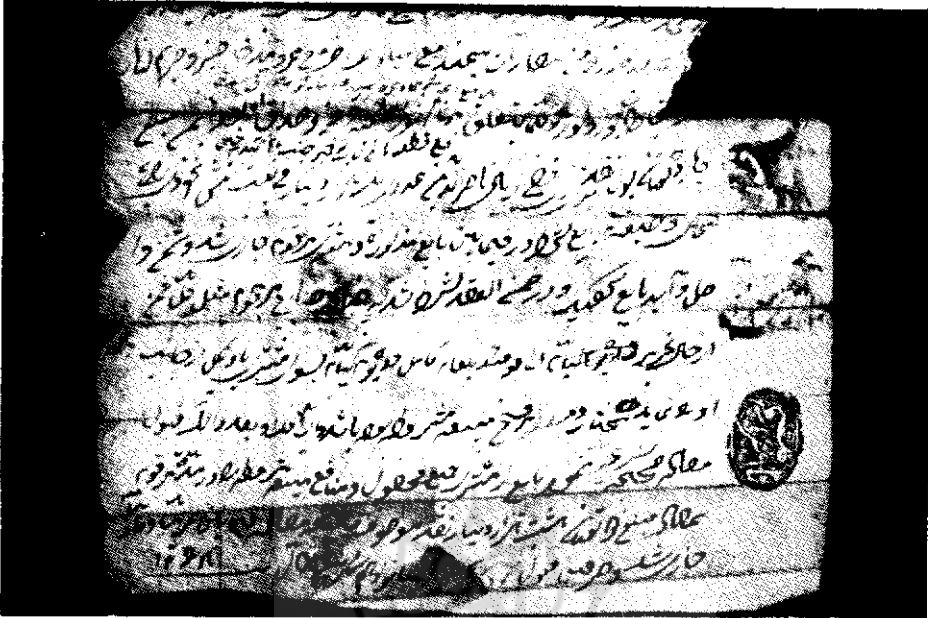


شکل ۳۷ - قباله مالکیت شماره ۸

اسمه‌علی حسن فرج به رفعت منزلت علی ابن مرتضی
 عبید میمندی از همگی و تمامی موازی بیست قصب باغ مشجر العنب
 واقع در مزرعه چرخ پسا قلمه سمت قبله رودخانه جنوبی در جنب باغ
 کربلائی حسین غیاث و درعلیای باغ خود باقی مع اشجارات
 مختلفه الثمار با آنچه تعلق به بیست قصب باغ داشته باشد
 مع حیطان و جه زمان به ثمن معین مبلغ چهار تومان (بالای سند بسیاق)
 نقد رایج معامله ناصرالدین شاهی فروش بیست و شش نخودی
 و صیغه بیع عربیاً و فارسیاً فیما بین جاری شد و در ضمن العقد
 شرط شرعی شد که چنانکه بایع خود بنفسه او اخیه من قبله از این تاریخ
 الی مدت یک عام کامل و ده یوم
 ایام خیار مثل وجه ثمن معقود علیه را
 به سوی مشتری یا وکیل او رد نماید مختار و مسلط بر فسخ مبیعه بوده
 باشد و الا فلا و بعد قبول مصالحه نمود بایع تمامی منافع مبیعه موصوفه را
 بمبلغ هشت هزار دینار نقد رایج معامله که در عند حلول میعاد
 خود کارسازی نماید و صیغتین فیما بین جاری شد غره
 شهر ربیع الثانی ۱۲۸۶

اثر چهار مهر در سمت راست و بالای سند
 قباله مالکیت شماره ۹ باندازه ۸/۲ × ۱۰/۵ سانتیمتر (تصویر ۳۸)
 که ابتدای آن افتاده است بشرح زیر :

مزرعه در کازرومن مفار آت میمند مع میاه و عراضی (اراضی) مع ممر و مدخل خیز
 و حریم النهار و اشجارات جوز (یک کلمه خوانده نشده) و کلمه یتعلق بها - مع
 آنچه شرعاً و عرفاً بمزرعه مذکور متعلق است (ما بین خط اول و دوم سند حاضر)
 (دو کلمه خوانده نشد) و حبه جزو صداق او بود - مع قطعسه باغ
 (دو کلمه خوانده نشد) جنب باغ مشهدی حسین (ما بین خط دوم و سوم
 سند حاضر) - به ثمن مبلغ چهارده تومان پول نقد تبریزی فسی - ریال
 ناصرالدین عددی یک هزار دینار فی بیست و شش نخودی رایج الحال و صیغه



شکل ۳۸ - قبالة مالکیت شماره ۹

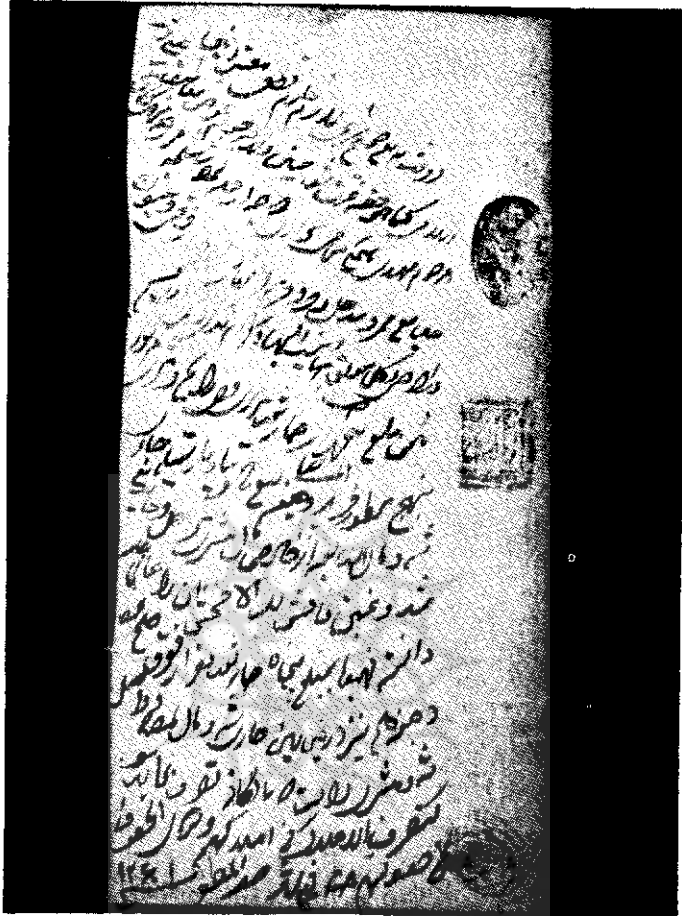
مبايع شرط در فيما بين بايع مذکور و مشتری مرقوم جاری شد و ثمن و اصل و آید (عاید) بايع گردید و در ضمن العقد شرط شد که چنانکه مبايع مرقوم مثل کل ثمن در حال تحریر و ده يوم ایام الی یومینذ یک عام کامل و ده يوم ایام بسوی مشتری یا وکیل از جانب او رد نماید مختار و مسلط بر فسخ مبیعه مشروط بوده باشد و الا فلا و بعد ذالک قبول مصالحه صحیحه شرعیه نمود بايع از مشتری جمیع محصول و منافع مبیعه مشروطه را در مدت مرقوم به معادل مبلغ دو تومان هشت هزار دینار نقد موصوف به صیغه مصالحه فيما بين عربياً و فارسياً جاری شد و طرفین قبول نمودند تحریر آفی - پانزدهم شهر ربیع الاول سنه ۱۲۶۸

اثر سه مهر در سمت راست سند

قبالة مالکیت شماره ۱۰ باندازه متوسط $6/2 \times 12/7$ سانتیمتر (تصویر -

۳۹) بشرح زیر :

کتابخانه مدرسه انجمن



شکل ۳۹

قباله مالکیت شماره ۱۰

فروخت به بیع صحیح شرعی لازم ملزوم قطعی معتبر دینی اسلامی کما هو
حقه عزت شعار حسین ولد مرحوم عوض به عالی قدر علی ولد مرحوم مهدی
همگی تمامی موازی دوحبه از جمله نود و شش حبه مزرعه مهرگان علیامع
معموم و مسدخل و حر و حریم و انہماز و سایر (دو کلمه خوانده نشده) و عیون و
اراضی و کل مایه تعلق بهاء ینسب الیها ذکر ام لذ کر (لم ید کر) دیمی ابی مبیع
بشمن مبلغ پنجهزار دینار نقد تبریزی فزی رایج و مشتری مزبور پنہج

مسطور خرید وصیغه بیع عربیاً و فارسیاً جاری

شد و مال المبیاعه از خالص مال مشتری و اصل و عاید بسایع شد و غبنی فاحش بل الافحش آنرا عالمأ عامد دانسته فهمیده بمبلغ پنجاه و چهار نقد و قرار فوق صلح نمود.

وصیغه صلح نیز در فیما بین جاری شد و مال المصالحه و اصل شد و مشتری راست که مالکانه تصرف نماید

کتصرف الاملاك فی املاکهم و ذوی الحقوق

فی حقوقهم فی ۲۰ شهر صفر المظفر سنه ۱۲۶۱

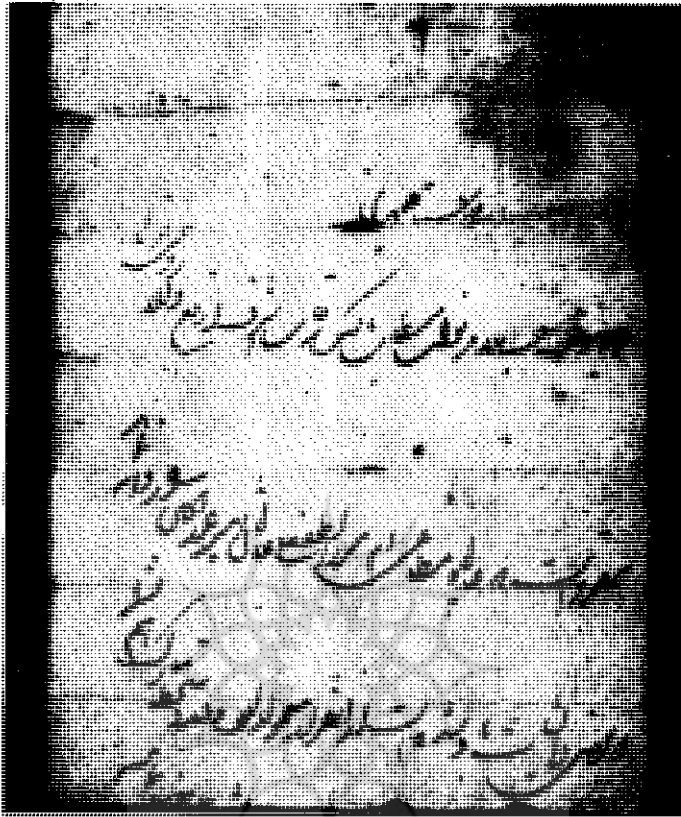
اثر سه مهر در سمت راست سند

یک نامه باندازه ۱۱/۵ × ۱۵ سانتیمتر (تصویر ۴۰) که قسمت تحتانی آن افتاده است، بشرح زیر:

دوست مهربان

درینوقت حسب الامر نواب مستطاب مالک رقاب اشرف ارفع والا روحی فداده مقرر است که عالیجاه مطاعی امر میرزا لطفعلی ایشان امیر عبدالحسین را روانه نماید که بعرض فرمایشات باو شده است از آن قرار معمول دارد و در دستخط مبارک هم بشما... جناب... نمائید.

در خاستمه این مقاله باید متذکر گردم که مرحله نهائی (مرحله سوم) طرح تحقیقاتی میمند هنوز در پیش است. در مرحله نهائی طرح تحقیقاتی میمند بررسی مادر جهت بوجود آوردن یک طرح جامع خواهد بود در آن طرح جامع، بررسیهای محیطی ما از لحاظ امکان برقراری ارتباط با معادن و تأسیسات مس سرچشمه و تطبیق اصول فنی پیشرفته آن با ارزشهای فرهنگی و معماری صخره‌ای مجموعه صخره‌ای خواهد بود. برای آن باید به مطالب زیر توجه داشته باشیم: شناسائی محیط طبیعی و بوم‌شناسی، شناسائی بیشتر محیط اقتصادی (کشاورزی - دامداری - باغداری - صنایع قالی بافی)، شناسائی محیط اجتماعی (ساختمان و چهره جامعه روستای



شکل ۴۰- نامه با اندازه ۱۱/۵ در ۱۵ سانتیمتر

میمند نظام قدرت و اداره آن، شناسایی محیط باستانی (دژها، قبور، قلعه‌ها، راهها)، شناسایی و بررسی روانی کارویست (تعیین خط سیر و جهت تحولات درونی و بیرونی روستای میمند، میزان گرایش آن بخروج از نظام

بساستانی فعلی معماری صخره‌ای، خروج از اقتصاد بسته، میزان میل به شرکت در تولید و کارخانه‌های صنعتی مس و بطور کلی با اقتصاد صنعتی) برای انجام بررسیهای بالا باید ارتباطات طبیعی و منطقی و علمی بین موضوعات مورد نظر حفظ شده و یگانه هدفمان ارائه‌ی طریقی باشد که بر اساس آن بتوان در جهت عمران، آبادی و توفیق مردم میمند سرمایه‌گذاری نمود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی